

نقد و بررسی

# خنده بر سیاست در رسانه ملت

○ احسان الله شکرالهی

پژوهش در این موضوع نیز حکم خلق اثر را داشته و هر کسی در خود این مایه و توان و ذوق و علاقه را سراغ نمی‌بیند که وارد این وادی شود و به عیارسنجی آثار عیاران این عرصه برخیزد. به هر حال اگر بخواهیم از آثار ارزشمند تحقیقی در این زمینه نمونه‌هایی را برشماریم از این آثار نباید گذشت:

- ۱- چشم انداز تاریخی هجو (زمینه‌های تاریخی طنز و هجو در شعر فارسی)، عزیزالله کاسب، تهران: عزیزالله کاسب، ۱۳۶۶.
- ۲- سرداران طنز ایران، ابوالقاسم صادقی، تهران: گلفام، ۱۳۷۱.
- ۳- طنزسرایان ایران از مشروطه تا انقلاب (سه جلد)، مرتضی فرجیان، محمدباقر نجف‌زاده بار فروش، تهران: چاپ و نشر بنیاد، ۱۳۷۰.
- ۴- نشانه‌شناسی مطالبه احمد اخوت، اصفهان: نشر فردا، ۱۳۷۱.
- ۵- طنز و شوخ طبعی در ایران و جهان اسلام (تا روزگار عبید زاکانی)، دکتر علی اصغر جلی، تهران: بهبهانی، ۱۳۷۷.
- ۶- طنزآوران امروز ایران، بیژن اسدی پور، عمران صلاحی، تهران: مروارید، ۱۳۶۵.
- ۷- طنز و طنزپردازی در ایران، دکتر حسین بهزادی اندوهجردی، تهران: صدوق، ۱۳۷۵.
- ۸- بیست سال با طنز، رویا صدر، تهران: هرمس، ۱۳۸۱.
- ۹- پژوهشی درباره طنز در شریعت و اخلاق، گروه معارف مرکز

○ غلامحسین مراقبی، نگرشی بر روزنامه‌های فکاهی ایران، (دفتر دوم)، تهران: دارینه، ۱۳۸۰، ۲۲۷ ص.

«اگر بخواهیم بدانیم که قوم و ملتی چگونه فکر می‌کند و به چه چیز فکر می‌کند و آرزویش کدام است و در طلب چیست و چه می‌خواهد و چه می‌گوید و چه می‌جوید، یکی از بهترین راه‌ها برای جواب دادن به این پرسش همانا رسیدگی و تحقیق درباره تصنیفها و ترانه و اشعار و داستانهای فکاهی آن قوم خواهد بود.»

شبیبه این اظهار نظر سید محمد علی جمال زاده را که در مقدمه او بر کلیات اشعار و فکاهیات سید غلامرضا روحانی آمده<sup>۱</sup> - کم و بیش از زبان و قلم دیگر صاحب‌نظران و پژوهشگران ادبیات عامیانه (فلکلور) نیز شنیده و خوانده‌ایم. اما پرداختن به اشاره راهگشای جمال‌زاده چیزی است که کمتر به آن بر می‌خوریم و علی‌رغم فهرست نسبتاً بلند بالای کتابهای منتشر شده در زمینه طنز در ایران پس از انقلاب، کار پژوهشی در این حوزه کم صورت گرفته و بیشترین آثار منتشره مربوط به گردآوری و تنظیم، تصحیح، و ترجمه است و تنها کمتر از یک دهم آثار به تحقیق و تالیف اختصاص دارد.<sup>۲</sup>

شاید یکی از علل این کم‌اقبالی به تحقیق در مقوله طنز (به معنی وسیع کلمه) صعوبت این مسیر باشد، و همانگونه که برخی معتقدند آفرینش و خلق آثار طنزآمیز از خلق آثار رسمی سخت‌تر است،



در کارنامه غلامحسین مراقبی علاوه بر آثار مذکور به این موارد بر می‌خوریم:

- ترجمه آرماندو آه آرماندو اثر آمانوئل کاخل.
- همسرایان (دفتر یکم: جورج اورول، دفتر دوم: جلال آل احمد).
- تاریخ شنیداری ایران (دفتر یکم: شاپور بختیار، دفتر دوم: کریم سنجابی).
- منظومه طنز گربه و موش.
- اهتمام در انتشار تعدادی از متون (رباعیات عمر خیام، تفسیر روضه الجنان و روح الجنان، مناجات حضرت امیر ۳، و سفرنامه علی بن حسین و قارالملک: جام جم هندوستان)
- از جمله آثار در دست انتشار وی نیز این موارد قابل ذکر است:
- برخاسته از استبداد و بنشسته برمسند مشروطه، تاریخچه تروریزم در ایران، سیمای راستین شاعر در نهانخانه دیوان، درالموت دشنه می‌روید، رساله فجوریه و بالاخره حکومت دینی، راهکار نظام الملک برای رهایش از خیزش‌های رهایی بخش.
- به این ترتیب وی را به جهت تولید فرهنگی می‌توان فردی پرکار به حساب آورد که بیشترین توجه وی به ادبیات و تاریخ سیاسی ایران معطوف است و نقاط مشترک این دو دایره، که طنز و مطبوعات است از جمله دغدغه‌های دراز آهنگ او بوده است.
- وی در نخستین اثری که در این زمینه پدیدآورده، نخستین کاربرد

پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۱.

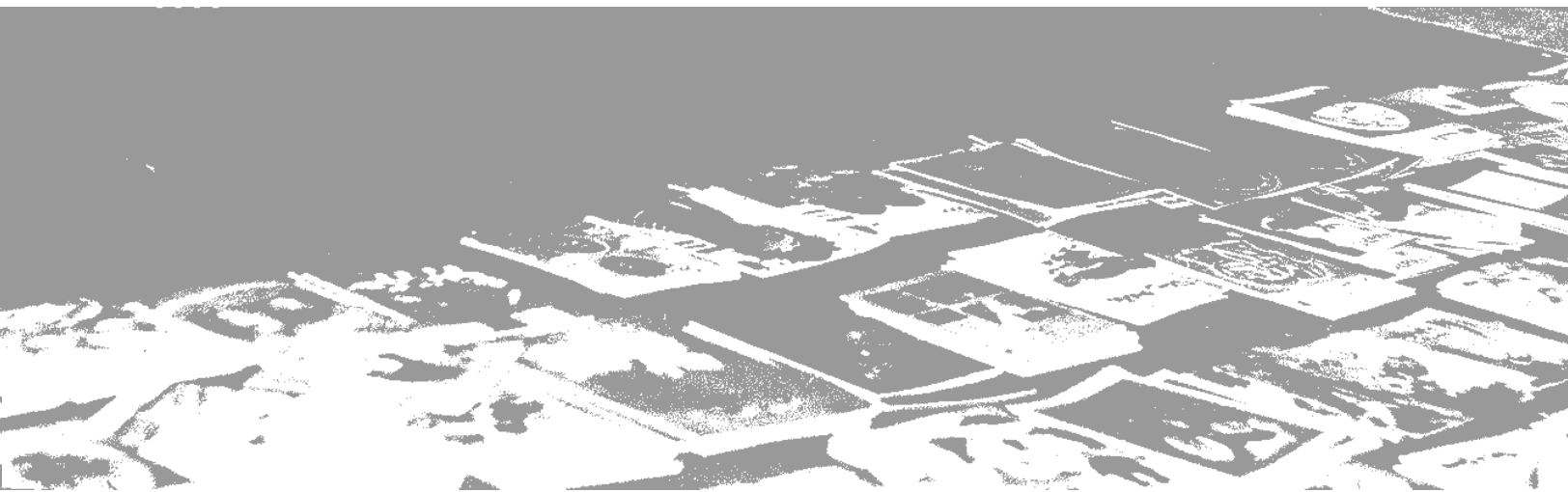
۱۰- دگرخند (درآمدی کوتاه بر طنز و هزل و هجو در تاریخ و تاریخ معاصر) دکتر سید علی موسوی گرمارودی، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۰.

۱۱- کلوشی در طنز ایران. ابراهیم نبوی. تهران: جامعه ایرانیان، ۱۳۸۰.

بر فهرست این آثار مستقل می‌توان مقالات ارزنده فراوانی را نیز افزود که در نشریات مختلف انعکاس یافته‌اند، که البته از حوصله این نوشته بیرون است.

علاوه بر آنچه ذکر شد، باید آثار آقای غلامحسین مراقبی را نیز در این زمینه برشمرد. این آثار عبارتند از:

- نخستین کاربرد گسترده سیاسی طنزسرایی در مطبوعات ایران (بهلول)، ۱۳۷۲
- نگرشی بر روزنامه‌های فکاهی ایران (ج ۱: چننه پابرهنه، بهلول، تشویق، نسیم شمال). تهران ملک، ۱۳۷۸.
- نگرشی بر روزنامه‌های فکاهی ایران (دفتر دوم: آذربایجان، امید، باباشمل، حاجی بابا، حشرات الارض، صور اسرافیل، کاریکاتور، کشکول و گل زرد). تهران: دارینه، ۱۳۸۰. که اثر اخیر بهانه این قلم در نگارش این مقال بوده است.



گسترده سیاسی طنزسرایی در مطبوعات ایران بدون آنکه به دو مقوله تعریفی از طنز و تاریخچه و پیشینه آن در ایران بپردازد و یا هدف از تالیف این اثر را روشن نماید، بخش هایی از نشریه بهلول اعم از متن و تصویر را انتخاب نموده و در مورد بعضی از آنها توضیح یا یادداشتی آورده و در پایان نیز به شرح حال سیاسی برخی از سیاسی مردان زمان پرداخته است.

وی در صفحه ما قبل آخر همین دفتر وعده می‌دهد که «در دفترهای پسین به همین شیوه و روال به [معرفی] نشریات طنز بپردازد و در دفتر دوم دیگر احزاب و سیاست‌پیشگان را شناسه کند»، اما با کمال تعجب دفتر بعدی عنوان دیگری به خود می‌گیرد: «نگرشی بر روزنامه‌های فکاهی ایران (دفتر یکم)» که بدون ذکر از اثر قبلی در پیشگفتار آن گوشه‌ای از تعاریف و تاریخچه جا مانده از دفتر قبلی را گنجانده، آنگاه در متن کتاب به روشن پیشین اما با اختصار چهار نشریه فکاهی که عبارتند از: چنته پابرهنه، بهلول، تشویق و نسیم شمال معرفی گردیده‌اند. این سوال برای نگارنده باقی است که علی‌رغم معرفی مفصل‌تری که از نشریه بهلول به عمل آورده بود تکرار این معرفی آنهم به این اختصار چه ضرورتی داشت که ارجاع به اثر قبلی بسیار سودمندتر بنظر می‌رسید. ضمن آنکه از معرفی احزاب سیاسی که پیشتر وعده داده شده بود ردی نمی‌یابیم.

سومین اثر جناب آقای مراقبی در زمینه معرفی و تحلیل محتوای نشریات فکاهی، دفتر دوم از کتاب نگرشی بر روزنامه‌های فکاهی ایران است که در متن آن نشریات آذربایجان، امید (دوره سوم)، باباشمل، حاجی بابا، حشرات الارض، صور اسرافیل، کاریکاتور، کشکول و گل زرد معرفی شده‌اند. اما وی در پیشگفتار این دفتر، نگرش برخی شاعران پندسرا و اخلاق‌گرا نسبت به مقوله هزل را باز گفته و در مورد پرداختن آنها به ذم سخن به میان می‌آورد. مولف در این مقدمه از اشعار ناصر خسرو، سنایی و مولوی نمونه‌هایی می‌آورد و کاربرد تمثیل برای تبلیغ آرمان‌های صوفیانه در اشعار دو نفر اخیر را نیز تا حدی به نمایش می‌گذارد. هر چند این نمایش جزو واقعیت آثار آنان است، اما عربانی آن تا حد زیادی مشتمل کننده است. در جایی که این بخش‌های دست چین شده حجم بسیار اندکی از آثار گرانسنگ سنایی و مولوی را تشکیل می‌دهد و در واقع در میان انبوه گلهای رنگارنگ و معطر آثار ایشان این چند گل کاکتوس پنهان و گم است، درشت‌نمایی آن‌ها تا این حد معقول بنظر نمی‌رسد، ضمن آنکه ارتباط این پیشگفتار با متن اصلی اثر که معرفی روزنامه‌های فکاهی است بسیار ضعیف و اندک است. تنها اشاره مولف به این موضوع پاراگراف ذیل است:

«با دریغ باید گفت که ذم گویی با سنایی آغاز و به او ختم نشد، بلکه به عنوان یک ناهنجاری در فرهنگ ما نمود و دوام یافت. از

این‌روست که این ردپا را در مطبوعات فکاهی ایران، آشکارا می‌بینیم. این ناهنجاری زمانی اوج می‌گیرد که از طنز جدا می‌شویم و به افت فرهنگ دجار می‌شویم.»

جا دارد این سوال را مطرح نماییم که اگر ذم بد است و به عنوان یک ناهنجاری اجتماعی باید به آن نگرست، چرا ایشان در جای جای این چند اثر، ذم بدخواهان دین و ملت که در نشریات آمده را با آب و تاب ستوده و بر آن صحنه گذاشته‌اند؟ از جمله این ذم شبیه به مدح که خطاب به آلمان سروده شده و در نشریه آذربایجان منتشر گردیده و اولین نمونه ارائه شده در سومین اثر آقای مراقبی است:

مهمان تازه وارد ایران خوش آمدی

بالای چشم جای تو، آلمان خوش آمدی

ایران به خوان ماند و بیگانگان به ضیف

ناخوانده میهمان سر این‌خوان خوش آمدی

... با دعوی حمایت اسلام و مسلمین

گشتی دخیل حوزه دزدان، خوش آمدی

... اسلام بود بی‌کس و بی‌دادرس، کنون

صدشکریافت‌چون‌تو نگهبان، خوش آمدی

... از بهر سر تراشی یک مشت بی‌گناه

در کف گرفته تیغک بران، خوش آمدی

رندانه با بهانه دارالفنون و بانک

نایل شدی به مقصد پنهان خوش آمدی

بانگ فغان هنوز زما می‌رسد به چرخ

از دست بانک روس و بریتان خوش آمدی

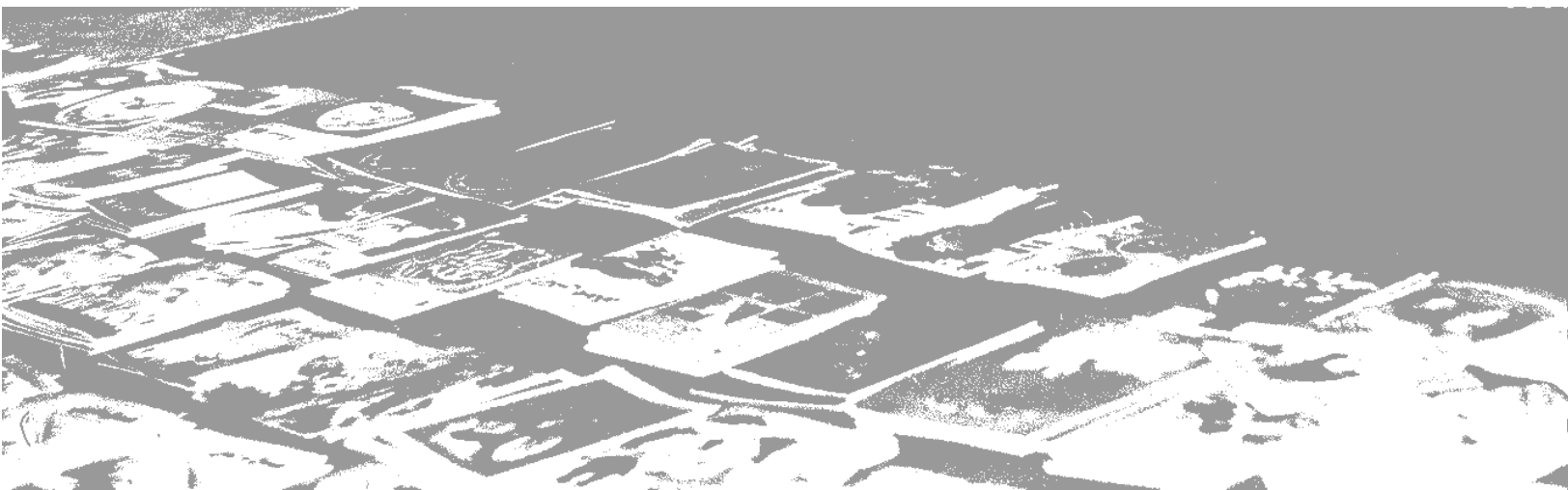
القصد نیست چاره ما گوئیا کنون

جز انقیاد حکم فرنگان خوش آمدی

آقای مراقبی در ابتدای هر بخش از کتاب با استفاده از منابعی که در زمینه تاریخ مشروطه و مطبوعات به رشته تحریر در آمده به معرفی نشریات مورد نظر پرداخته است و در یادداشت‌های حاشیه‌ای هم به برخی مطالب تاریخی و سیاسی اشاره نموده است. منابع مورد استفاده ایشان بیشتر عبارتند از: تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت تألیف ادوارد براون، ترجمه محمد عباسی، تاریخ مشروطه ایران تألیف احمد کسروی، تاریخ مطبوعات تألیف صدر هاشمی، از صبا تا نیمه تألیف یحیی آرین پور، و بالاخره تاریخ سانسور در مطبوعات ایران از کوئل کوهن و تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران تألیف مرحوم محمد محیط طباطبایی.

در میان این منابع جای خالی چند اثر در زمینه تاریخ مطبوعات حس می‌شود:

تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان اثر ناصرالدین



کتابه و با اشارات باز گوید.

کار این افراد، هم به سود مردم و هم به نفع دستگاه سلطنت بود. چه از طرفی دستگاه به وسیله ایشان از معایب و نقاط ضعف خویش و کارگزاران دولت و دربار باخبر می‌شد، و از سوی دیگر گفته‌های مسخرگان درباری، تا حدود زیادی همان حرف‌هایی بود که از نهفتن آن دیگ سینه مردم و ستم‌دیدگان جوش می‌زد، و چون می‌دیدند که مسخره‌ای، یکی از رجال دولت را به تازیانه انتقاد تنبیه می‌کند، و معایبی را که از کار و کردار وی ناشی شده، و ستمی را که به خلق رسیده است به صراحت در برابر شاه و رجال دولت باز می‌گوید، گفته‌های وی برای آنان مایه تسلی خاطر بوده. در حقیقت مسخره در این مقام زبان گویای مردم بود و طبقات محروم و محکوم وی را ترجمان خواست‌های خویش می‌دیدند.<sup>۶</sup>

تاریخ گواهی می‌دهد، در هر عصر و زمانه‌ای که ابتذال و پلشتی به نهایت می‌رسد، مضحکه، لودگی و مسخرگی از وسایلی می‌شود که مردمان با توسل به آن به جنگ با زشتی بر می‌خیزند و عصر قاجار در تاریخ معاصر ایران چنین موقع و مقامی دارد.<sup>۷</sup>

با شکل‌گیری تدریجی انقلاب مشروطه که تقریباً همزمان بوده با رواج انتشار نشریات در کشور روزنامه‌ها و مجلات طنز نیز تنوع و کثرت پیدا کرد. دکتر بهزادی آندوهجودی نیز بارزترین ویژگی مطبوعات صدر مشروطه را استفاده از شعرها و نثرهای وطنی و سیاسی و اجتماعی می‌داند که قبل از آن به آن شیوه در ادبیات ایران سابقه نداشت:

«نثرها و شعرهای هیجان‌انگیز و بکر و بدیعی که متضمن وقایع شگفت‌آور انقلاب مشروطیت ایران بود و حکایت از سوانح و حوادثی می‌کرد که ملت ایران قهرمان آنها بود...»

هم «وظیفه‌ها» جهت تحرک و تشجیع جوانان ایران به منظور از خود گذشتگی و ایثار و اعمال قهرمانی، بدیع و شورانگیز بود. و هم هجویه‌های تند سیاسی و طنزهای تلخ و شیرین اجتماعی برای نشان دادن مفاسد و معایب عمومی و سردمداران فاسد و مفسد و بدرد نخور اجتماع آن روز جالب و نوظهور به نظر می‌رسید.<sup>۸</sup>

اما علت گرایش ایرانی به این شیوه سخن را که «نقد طنزآمیز» می‌توان نامید دو واقعیت توأمان دانسته‌اند. یکی روحیه لطیف و نکته سنج این قوم که فطری اوست، و دیگری شرایط اختناق که تجلی و رشد او را از «راسته گفتن» و صریح و یک بعدی و مستقیم خود را ابراز کردن مانع می‌شده است و همچون کسی که از نعمت نطق محروم است، لاجرم چشم و نگاه و لب و سر و گردن و ادا و اطوارش، نرمش و دقت و ظرافت حرکتی می‌یابد که فقدان زبان را جبران می‌کند... بنابراین در جامعه ما برای سخن گفتن تنها دانستن کافی نیست،

پروین، سیری در مطبوعات ایران اثر مسعود برزین، و مخصوصاً کتاب طنز سرایان ایران از مشروطه تا انقلاب که به کوشش محمداقبر نجف‌زاده بارفروش و مرحوم مرتضی فرجیان تالیف شده و نیمی از جلد سوم آن تماماً به تاریخ تحلیلی مطبوعات طنز و فکاهی معاصر اختصاص یافته است.

استفاده از منبع اخیر حداقل فایده‌ای که می‌توانست برای آقای مراقبی داشته باشد این بود که به تقسیم بندی ادواری مطبوعات طنز و فکاهه کمک می‌کرد (کاری که ایشان از آن غافل ماندند) و نکات ارزنده قابل ذکری در خصوص این نشریات در اختیار ایشان می‌گذاشت نکاتی از قبیل: نامگذاری مطبوعات فکاهی، اهداف نشریات طنز و فکاهی، بازی با واژه‌ها در مطبوعات طنز و فکاهی، سبب‌های مطبوعات فکاهی، نشریات فکاهی و طنز محلی و سرقات ادبی در مطبوعات فکاهی.

از دل خواننده آثار آقای مراقبی در زمینه معرفی نشریات فکاهی، آهی سرد بر می‌خیزد که کاش ایشان در خصوص ویژگیها و خواستگاه طنز و هجو و هزل و فکاهه و زمینه‌های رشد و شکوفایی آن در عصر مشروطه فصلی مشیح می‌پرداختند و آنگاه دامنه سخن را به معرفی برترین یا مهمترین نشریات فکاهی آنهم به ترتیب تاریخ می‌کشاندند. چرا که به اعتقاد بسیاری (باشکوه‌ترین و پر رونق‌ترین دوران حیات فرهنگی طنز در سرتاسر تاریخ ادب فارسی، طنز معاصر یعنی از زمان مشروطه تا انقلاب کنونی است، و حضور روزنامه‌ها و مجلات فکاهی - انتقادی و کتابهای طنز سرایان و طنزنویسان و کاریکاتوریست‌ها طی این دوره (از انقلاب تا انقلاب) بهترین شاهد غنای قلمرو طنز معاصر فارسی است.

حتی در بررسی کل شعر معاصر به ویژه شعر مطبوعاتی، غلبه طنز و هجو بر مضامین آنها را از ویژگی‌های برجسته برشمرده‌اند:<sup>۹</sup> «مطبوعات به تدریج از یک سوی جانشین ادبیات شفاهی، سخنوری، وعظ و خطابه، و از سوی دیگر جانشین شعر شد. با این همه مطبوعات وسیله‌ای برای انتشار بهتر و رواج بیشتر نوعی خاص از شعر سیاسی و اجتماعی شد که در تاثیر و تهییج توده در فعالیت‌های سیاسی موثر بود.<sup>۱۰</sup> در زمینه پیشینه تاریخی هزل، مرحوم دکتر محمد جعفر محبوب در جایی می‌نویسد: «هر قدر اظهار صریح حقایق دشوارتر و خطرناک‌تر باشد ضرورت مزاح و هزل و افسانه سرایی و مثل گفتن بیش‌تر افزایش می‌یابد. این است ضرورتی که موجب پدیدآمدن منصب ترخانی شده است. در دوران حکومت‌های استبدادی، پادشاهان و ارباب قدرت، همواره در دستگاه خود مردی مرفوع‌القلم نگاه می‌داشتند تا بتوانند حقایقی را که مردم عادی از ابراز آن بیم دارند به زبان هزل و ظرافت در قالب شوخی و تمثیل و افسانه به تعریض و

توانستن نیز می‌خواهد. چه بسیارند کسانی که می‌دانند چه بگویند اما هیچ نگفته‌اند، از آن که نمی‌دانسته‌اند چگونه باید گفت.<sup>۹</sup>

یحیی ریحان در مقاله‌ای که قریب یک دهه پس از اعلان مشروطیت در توجیه اقدام خود در تاسیس روزنامه «گل زرد» نگاشته، ادبیات هر ملتی را مشتمل بر دو قسمت متمایز و متفاوت دانسته: «قسمت اول ادبیاتی است که دانشوران طراز اول و متخصصین عالم ادبیات فقط می‌توانند بدان دسترسی داشته باشند، قسمت دوم عبارت از ادبیاتی است که برای عموم طبقات و عامه ناس می‌تواند مفید بوده باشد». او معتقد بود که «بر خلاف ممالک اروپایی «در ایران کمتر اوراقی برای قرائت درجات دوم و سوم اهالی به طبع رسیده و این طبقات به همین سبب از مطالعه جراید وطن محروم مانده‌اند». وی اضافه می‌کند: «توده مردم (طبقات دوم و سوم اهالی) - که در ایران از هر صد نفر جمعیت نود و نه نفر از این گونه می‌باشند - به سبک ادبیات متعارف آشنایی نداشته و به یک زمینه ساده طبیعی و مخصوصاً ذوقی و فکاهی راغب می‌باشند.» آنگاه ریحان برای اثبات نظر خود بدین واقعیت اشاره می‌کند که تک فروشی روزنامه نسیم شمال (که عمدتاً حاوی اشعار عامیانه شاعر بود) در تهران از سه هزار نسخه تجاوز می‌نمود، در حالی که تک فروشی سایر روزنامه‌ها بیش از دویست یا سیصد نسخه نبود.<sup>۱۰</sup>

پیش از آنکه بر این مقاله نقطه پایان بگذارم معرفی برخی آثار ارزنده در زمینه مطبوعات پژوهشی که تقریباً همزمان یا پس از اثر اخیر آقای فاروقی پدید آمده‌اند را بی‌مناسبت نمی‌دانم، طبیعی است که در این مجال تنها به اطلاعات کتابشناختی اشاره نمایم: مشاهیر مطبوعات ایران. تالیف سید فرید قاسمی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹.

مطبوعات ایران در قرن بیستم. سید فرید قاسمی، تهران: نشر قصه، ۱۳۸۰.

سرگذشت مطبوعات ایران، روزگار محمد شاه و ناصرالدین شاه. تالیف سید فرید قاسمی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰.

با این که به کتاب «بیست سال با طنز» اثر سر کار خانم رویا صدر در ابتدای این نوشته اشاره شد اما به دلیل نزدیکی محتوایی این اثر با آثار مورد بررسی جا دارد با ذکر تنها سرفصلهای این اثر علاقمندان را به خواندن آن در کنار آثار آقای مراقبی ترغیب نمایم:

فصل اول: در آمدی بر خنده و شوخ طبعی (۱). چرا می‌خندیم؟ ۲. گونه‌های شوخ طبعی: بذله / لطیفه، هزل، فکاهه، هجو، طنز) فصل دوم: نگاهی به طنز و شوخ طبعی در ایران از ابتدا تا انقلاب اسلامی (پیش و پس از مشروطیت)

فصل سوم: طنز مطبوعاتی پس از انقلاب (که به تفکیک دوره‌های تاریخی و نیز نشریات طنز و غیر طنز ارایه گردیده است). فصل چهارم: کتابهای طنز، پس از انقلاب اسلامی.

فصل پنجم: نشست‌ها، سمینارها، بزرگداشت‌ها و رویدادهای مربوط به طنز.

اظهار نظر محقق ارجمند تاریخ مطبوعات آقای سید فرید قاسمی در خصوص نخستین آثار طنز مطبوعاتی را حسن ختام این نوشته قرار می‌دهم: «طنز نویسی و آنچه که در این قلمرو می‌گنجد در مطبوعات ایران پیشینه‌ای دیرینه‌تر از انتشار مطبوعات طنز دارد... طنز تصویری ایرانیان یا به قول امروزی‌ها کاریکاتور و به قول مطبوعاتی‌های قبل از مشروطیت ایران «صُور موهومه خیالی» و «تصویرات مضحک»، نخست در نشریه‌های خارجی چاپ شد... [اما] مقوله طنز با درج زندگینامه شاعران بذله گو و چاپ نمونه آثار آنان به مطبوعات ایران راه یافت... پس از انتشار شرح احوال شاعران بذله‌گو، ترجمه آثار نویسندگان و طنزپردازان خارجی به مطبوعات راه پیدا کرد و دامنه انتشار طنز و انواع آن در مطبوعات وسعت بیشتری گرفت.<sup>۱۱</sup>

#### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- کلیات اشعار و فکاهات سید غلامرضا روحانی. تهران: سنایی، ۱۳۴۳، ص: ی.
- ۲- بیست سال با طنز: رویا صدر، تهران: هرمس، ۱۳۸۱، فصل چهارم: کتابهای طنز پس از انقلاب اسلامی، ص ۲۹۲ - ۲۶۹.
- ۳- طنز در شعر استاد شهریار، محمدباقر نجف‌زاده بارفروش. تهران: کلینی، ۱۳۶۹
- ۴- مقدمه سید حسین امین بر کتاب «شاعران در سنگر مطبوعات» تالیف احمد نیکو همت، تهران: موسوی‌زاده، ۱۳۸۱، ص ۲۵.
- ۵- همان ص ۲۴.
- ۶- پیشگفتار دکتر محمد جعفر محجوب بر کتاب «کریم شیرهای دلکج دربار ناصرالدین شاه قاجار»، نگاشته حسین نوربخش. تهران: سنایی، ۱۳۷۸، ص ۱۳.
- ۷- همان ص ۷ به نقل از مجله روشنفکر، دوشنبه شانزدهم اردیبهشت سال ۱۳۴۷ شماره ۷۵۶.
- ۸- طنز و طنزپردازی در ایران: پژوهشی در ادبیات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی ایران. تالیف حسین بهزادی اندوهج‌ردی. تهران: نشر صدوق، ۱۳۷۸، ص ۵۷۶.
- ۹- درآمدی بر جامعه‌شناسی هنر از منظر دکتر علی شریعتی، تالیف محمد علی زکریایی. تهران: آذریون، ۱۳۷۸، ص ۱۵۸-۱۶۰.
- ۱۰- سیاست و اجتماع در شعر عصر مشروطه. تالیف فاروق خرابی. تهران دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۸۰، ص ۱۴-۱۵.
- ۱۱- سرگذشت مطبوعات. سید فرید قاسمی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰، ج اول ص ۳۱۳-۳۱۵.